



## واخواست اسناد تجاری؛ برات، سفته، چک

پدیدآورده (ها) : محمودی، حسین

حقوق :: کانون :: بهمن ماه 1390، سال پنجاه و سوم - شماره 125

از 47 تا 63

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/902585>

دانلود شده توسط : رحمان قاسمی

تاریخ دانلود : 04/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## واخواست اسناد تجاری؛ برات، سفته، چک

حسین محمودی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۵

چکیده:

واخواست اسناد تجاری در قانون تجارت ایران به عنوان يك عمل حقوقی مؤثر در بهره بردن از مزایای مندرج در قانون تجارت، برای دارندگان اسناد تجاری، می باشد. به عبارت دیگر، برای این که دارندگان این گونه اسناد (برات، سفته، چک) بتوانند از مزایای اسناد تجاری استفاده نمایند باید عمل حقوقی واخواست را انجام دهند.

همان طور که خواهیم دید، واخواست اسناد تجاری در برات و سفته، طبق قانون تجارت، الزامی است، در حالی که در چک، طبق آراء وحدت رویه که از سوی دیوان عالی کشور صادر شده است انجام واخواست الزامی نیست و گواهی عدم پرداخت صادره از سوی بانک می تواند جایگزینی برای واخواست باشد. البته باید توجه نمود که در بحث چک های صادره از سوی صندوق های قرض الحسنه از جهت جایگزینی گواهی عدم پرداخت به جای واخواست، اختلاف نظر وجود دارد که در متن مقاله به این موضوع نیز پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** واخواست، سند تجاری، برات، سفته، چک، گواهی عدم پرداخت.

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق(ع).

h.mahmoodi64@yahoo.com

**مقدمه:**

اسناد تجاری مهم‌ترین و عمده‌ترین وسیله گردش سرمایه در بین تجار و غیرتجار می‌باشد. هر چند که حالا دیگر، استفاده از برات در روابط تجاری و پرداخت وجه تا حدود زیادی ترک شده است اما مقررات آن در خصوص سفته و چک، لازم‌الاجرا است و بسیاری از اصول و قواعد اسناد تجاری براساس ظرافت‌های حقوقی برات انجام می‌شود. امروزه نیز چک و دعاوی آن در صدر دعاوی پر حجم دادگستری است. استفاده از سفته نیز در بازار و در بین مردم کماکان شایع و رایج است. برای این که دارندگان این گونه اسناد (برات، سفته، چک) بتوانند از مزایای اسناد تجاری استفاده نمایند باید عمل حقوقی وخواست را نسبت به این گونه اسناد انجام دهند. لذا با توجه به اهمیتی که این عمل حقوقی دارد، لازم است به انواع آن و نحوه اعمال هر یک از انواع وخواست در این گونه اسناد اشاره شود. برای این منظور، ابتدا به مفهوم وخواست می‌پردازیم سپس به انواع وخواست و نحوه اعمال آن در اسناد تجاری (برات، سفته، چک) اشاره خواهیم کرد.

**۱. مفهوم وخواست****۱-۱- تعریف لغوی وخواست**

برای کلمه وخواست در فرهنگ‌های مختلف فارسی، معانی لغوی تقریباً مشابهی ارائه شده است؛ به‌عنوان مثال، در فرهنگ لغت معین، وخواست را اسم‌مصدر، مصدرمرخم دانسته و معنای بازخواست و اعتراض آورده است. هم‌چنین از نقطه‌نظر حقوقی، وخواست به معنای اعتراض صاحب سند یا برات کش است؛ به‌هنگامی که برات، نکول شود و یا از پرداخت آن خودداری گردد. (معین، ۱۳۸۰، ج. ۲، ص. ۴۹۳۲) البته در این تعریفی که از وخواست شده، در واقع، به‌معنای اصطلاحی آن اشاره شده است.

در لغت‌نامه دهخدا، وخواست مصدر مرکب مرخم، اسم مصدر مرکب، به‌معنای بازخواست، مؤاخذه، محاسبه و اعتراض آمده است و هم‌چنین آورده شده که وخواست، اصطلاحی بانکی است و آن، وصول نشدن چک و سفته است به علت عدم پرداخت وجه موردتعهد در چک و سفته از جانب متعهد. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج. ۱۳، ص. ۲۰۳۷۳) صاحب این

لغت‌نامه هم‌چنین به این موضوع اشاره کرده است که همین اصطلاح در فرانسه Protest گفته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج. ۱۳، ص. ۲۰۳۷۵)

در فرهنگ فارسی عمید، واخواست، اسم مصدر بازخواست می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۱۸۵۳) و بازخواست، اسم مصدر واخواست است به معنای جویاشدن علت تقصیر و گناه کسی، مؤاخذه، سرزنش و در حقوق، اعتراض به عدم پرداخت اسناد تجاری است. (عمید، ۱۳۸۹، ج. اول، ص. ۲۳۹)

## ۲ - ۱ - تعریف حقوقی واخواست

قانون تجارت تعریفی از واخواست را به دست نداده است اما مبحث دهم فصل نخست باب چهارم آن قانون که مشتمل بر ۸ ماده است، به این موضوع اختصاص داده شده است. (مواد ۲۹۳-۲۹۷ ق.ت.) باتوجه به نبودن تعریفی مدون از واخواست در قانون تجارت، هر یک از حقوق دانان تعریفی از این امر را ارائه نموده‌اند که در زیر به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌شود؛

الف) اعتراض در برات، عبارت است از این‌که به درخواست دارنده برات، به وسیله یک مقام رسمی، امتناع و خودداری برات‌گیر از قبول یا پرداخت وجه سند در سررسید اثبات و احراز شود. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۸۲)

ب) واخواست، عبارت است از تأیید رسمی امری خاص. (فخاری، ۱۳۷۴، ص. ۳۳)  
ج) در فرهنگ حقوقی کاپیتان، واخواست این‌گونه تعریف شده است:

«سند خارج از جریان دادرسی که عموماً توسط مأمور ابلاغ تنظیم می‌شود، مگر در موارد استثنایی که به وسیله سردفتر به عمل می‌آید، بدین منظور که به‌طور رسمی، عدم تأدیه برات را در سررسید محقق سازد. در حقوق مربوط به اسناد تجاری، دو نوع واخواست وجود دارد: واخواست نکول و واخواست عدم تأدیه. اگر واخواست در مهلت‌های مقرر قانونی که اصولاً فردای روز سررسید است به عمل نیاید، ظهرنویسان برئ‌الذمه می‌شوند. (فخاری، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۱)

د) فرهنگ LEXIQUE تعریف زیر را از واخواست به دست داده است:

«سند رسمی تنظیم‌یافته توسط مأمور ابلاغ یا سردفتر، حسب تقاضای دارنده‌های سند

تجارتی به منظور تحقق رسمی؛ یا عدم تأدیه سند در سررسید (واخواست عدم تأدیه)، یا امتناع از قبول برات از جانب برات گیر (واخواست نکول). (فخاری، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۱)

ه) واخواست، اثبات این نکته است که دارنده برات برای اخذ قبولی و یا پرداخت وجه برات به برات گیر مراجعه کرده است و در صورتی صحیح است که با شرایط مذکور در قانون تجارت مطابق باشد و از طریق مرجع رسمی که قانون گذار معین کرده است، به انجام برسد. (اسکینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۷)

باتوجه به تعاریف ارائه شده و مواد مندرج در قانون تجارت در باب واخواست اسناد تجاری به خصوص مواد ۲۸۰ و ۲۹۳ و ۲۹۷ ق.ت. می توان گفت که اصل در واخواست، مطالبه وجه برات یا سفته ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله واخواست نامه ای است که در ظرف مدت مزبور در دفتر ثبت واخواست دادگاه شهرستان ثبت می گردد. بنابراین واخواست اسناد تجاری در واقع مطالبه رسمی وجه سندی است که موعد پرداخت آن فرارسیده و به دنبال آن، اثبات این امر که دارنده به تکلیف خود در ارائه سند به متعهد اصلی عمل نموده تا در نتیجه بتواند از مزایای قانونی که در قانون تجارت برای او متصور شده، استفاده نماید.

اگر این هدف را برای واخواست قائل نباشیم، فایده ای بر آن مترتب نیست که در این صورت باید اقدام برای تنظیم واخواست نامه را عملی لغو بدانیم و می دانیم که نباید به قانون گذار ارتکاب عمل لغو را نسبت داد.

## ۲. انواع واخواست و نحوه اعمال آن در اسناد تجاری

### ۱- ۲- اعتراض نکول

قبل از وارد شدن به بحث لازم است به این نکته اشاره شود که اعتراض یا واخواست نکول مخصوص برات است؛ چرا که در سایر اسناد (چک، سفته) متعهد، خود، ابتدا آن را قبول نموده و با امضای خود، تعهد پرداخت می کند و لذا قبولی گرفتن در این گونه اسناد، لازم نیست. البته در موردی که پرداخت سفته به تاریخی از رؤیت موکول شده باشد، گیرنده سفته ملزم است سفته را برای تعیین سررسید پرداخت ارائه دهد لذا چنانچه متعهد

سفته از رؤیت امتناع نماید برای اثبات این امتناع، اعتراض امتناع از رؤیت باید تنظیم گردد. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ص. ۹۷) بنابراین در این گفتار غیر از مورد یادشده، هر جایی که سخن از اعتراض نکول می‌شود، منظور اعتراض نکول نسبت به برات است.

اعتراض نکول، اعتراضی است که بر اثر نوشتن نکول یا امتناع از قبول یا نکول از طرف تأدیه‌کننده برات در هنگام وعده به عمل می‌آید. به عبارت دیگر، هرگاه دارنده برات، برات را جهت قبولی نوشتن آن به برات‌گیر ارائه نماید و او صریحاً قید کند که آن را قبول ندارد و یا نکول نماید و یا اصلاً از درج هر عبارتی دایر بر نکول یا امتناع از قبولی خودداری نماید، برات نکول شده محسوب است و اعتراض یا واخواستی که در این موارد به عمل می‌آید، اعتراض یا واخواست نکول یا اعتراض عدم قبول نامیده می‌شود.

لذا نکول برات به طرق مختلفی محقق می‌شود؛

۱- نکول صریح: یعنی برات‌گیر صریحاً عدم قبولی برات را بر روی برات قید کند.  
 ۲- در ظرف مدت ۲۴ ساعت مقرر در ماده ۲۳۵ ق.ت. از انجام قبولی یا رد امتناع شود.  
 ماده ۲۳۵ ق.ت. مقرر می‌دارد: «برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.»

۳- به صورت مشروط قبول شود که در این صورت به موجب ماده ۲۳۳ ق.ت. برات، نکول شده محسوب می‌گردد. ماده ۲۳۳ ق.ت. مقرر می‌دارد: اگر قبولی مشروط نوشته شد، برات، نکول شده محسوب می‌شود.

علاوه بر موارد فوق، صدور حکم ورشکستگی برات‌گیر نیز باید از موارد نکول برات تلقی شود، زیرا در این صورت، برات‌گیر حق قبول برات را ندارد.

در حقوق ایران، لزوم اعتراض نکول در ماده ۲۳۶ ق.ت. بیان شده است.  
 ماده ۲۳۶ ق.ت. مقرر می‌دارد: «نکول برات باید به موجب تصدیق‌نامه‌ای که رسماً تنظیم می‌شود محقق گردد. تصدیق‌نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.»

ضرورت اعتراض نکول در براتی که سررسید آن به وعده از تاریخ رؤیت است کاملاً محرز و مسلم است، چرا که همان‌طور که ذکر شد، اعتراض یا واخواست نکول، تاریخ رؤیت و به دنبال آن تاریخ سررسید برات را معین می‌کند اما در براتی که به وعده از تاریخ

صدور است و یا سررسید در تاریخ معین است، دارنده برات الزامی به اخذ قبولی و در صورت عدم قبولی یا امتناع از قبولی، تنظیم اعتراض عدم قبولی ندارد و از آنجا که اعتراض نکول فقط به دارنده برات یکسری امتیازاتی را که در ماده ۲۳۷ ق.ت. بیان شده، اعطا می‌نماید، لذا عدم انجام اعتراض نکول فقط باعث سقوط امتیازات یادشده می‌شود ولی حق اقامه دعوی دارنده علیه مسئولین برات هم‌چنان باقی می‌ماند. چرا که اعتراض نکول از شرایط اقامه دعوی علیه مسئولین برات نمی‌باشد.

اما اگر در برات موعدی برای اخذ قبولی شرط شده باشد، اخذ قبولی، الزامی و در صورت نیاز اعتراض نکول، الزامی است.

بنابراین با اوصاف ذکرشده برای این که دارنده برات از مزایای برواتی به‌طور کامل برخوردار باشد، اعتراض نکول ضروری است. لذا واخواست نکول جهت استفاده از مزایای ماده ۲۳۷ ق.ت. حتی با قید عدم لزوم آن در برات ضرورت دارد؛ حتی در موردی که برات‌گیر ورشکسته شود یا فوت نماید. چرا که می‌توان با استفاده از وحدت ملاک ماده ۲۸۲ ق.ت. که مقرر می‌دارد: «نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی او و نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد» می‌توان نتیجه گرفت که ورشکستگی برات‌گیر یا فوت او، باعث نمی‌شود که دارنده برات از اعتراض نکول معاف باشد. لذا در صورت ورشکستگی برات‌گیر، مطابق ماده ۴۱۹ ق.ت. که مقرر می‌دارد: «از تاریخ حکم ورشکستگی، هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.» اعتراض باید علیه مدیر تصفیه صورت گیرد و در صورت فوت نیز به طرفیت وراث متوفی که قائم‌مقام او می‌باشند، اعتراض باید صورت گیرد.

باید توجه نمود که با عنایت به سررسید سند که ممکن است به رؤیت و یا به وعده از رؤیت و یا به وعده از تاریخ سند و یا در روز معینی باشد، واخواست یا اعتراض نکول در صورتی ضروری است و بایستی دارنده سند در صورت نکول بدان اقدام نماید که برات، به رؤیت نباشد. به عبارت دیگر، در صورتی که برات به رؤیت باشد یا بی وعده، باید به محض ارائه، پرداخت گردد. لذا در صورت استتکاف محال علیه از پرداخت، تنها اعتراضی که در

اینجا می‌تواند مفهوم داشته باشد، اعتراض عدم تأدیه می‌باشد؛ چرا که دارنده برات به‌رویت، در واقع، آن را برای پرداخت به متعهد ارائه نموده است. لذا اعتراض نکول در مورد برات به رویت نمی‌تواند مفهومی داشته باشد و فقط در مورد برات به وعده از تاریخ رویت است که اعتراض نکول، الزامی می‌باشد تا از این طریق بتوان تاریخ رویت و به دنبال آن، تاریخ پرداخت مشخص گردد.

دارنده برات با انجام اعتراض نکول می‌تواند از ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده برای پرداخت در سر وعده، ضامن بخواهد. ماده ۲۳۷ ق.ت. مقرر می‌دارد: «پس از اعتراض نکول ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند و یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض‌نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند»

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعتراض نکول یکسری امتیازات را که در ماده ۲۳۷ ق.ت. احصا شده است برای دارنده برات به دنبال دارد. لذا وقتی که دارنده برات در صورت نکول از طرف محال علیه مبادرت به اعتراض نکول نماید اما از امتیازات گفته شده استفاده ننماید، حق مراجعه به ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده را در سر وعده از دست نمی‌دهد. در واقع، دارنده برات، در صورت نکول می‌تواند تا سررسید برات صبر کند و در سررسید وجه برات را مطالبه کند. این چنین راه‌حلی منطقی و برای دارنده مفید است، چه ممکن است عدم قبولی به این علت انجام شده که برات‌گیر هنگام ارائه برات برای قبولی هنوز وجه برات را دریافت نکرده باشد و به عکس، حاضر شود در سررسید، با دریافت محل برات، آن را پرداخت کند. (اسکینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۹)

حسب مقررات متحدالشکل ژنو، اعتراض عدم قبولی یا نکول، دارنده برات را از تنظیم اعتراض عدم تأدیه، معاف کرده است و ضمناً پیش‌بینی شده است که برات‌کش یا هر یک از ظهرنویسان می‌توانند دارنده برات را از تنظیم واخواست‌نامه معاف دارند. معافیت دارنده برات از واخواست، حقی از دارنده برات سلب نمی‌کند. به‌علاوه، هرگاه برات‌گیر ورشکسته اعلام شود، دارنده برات نیازی به اعتراض عدم تأدیه نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

قانون تجارت ایران در خصوص موارد فوق موضع سختی را اتخاذ کرده است. در مورد

۱. مواد ۴۳، ۴۴ و ۴۶ قانون متحدالشکل ژنو.



معافیت از اعتراض عدم تأدیه در صورت اعتراض نکولی، ماده ۲۸۲ ق.ت. مقرر می‌دارد؛ «نه فوت محال‌علیه، نه ورشکستگی او، نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.» همان‌طور که مشاهده می‌شود به‌موجب قانون تجارت ایران اعتراض عدم قبولی، دارنده برات را از تنظیم اعتراض عدم تأدیه، معاف نمی‌سازد. ولی دارنده برات می‌تواند بدون آن که مبادرت به اعتراض عدم قبولی کرده باشد مبادرت به اعتراض عدم تأدیه کند و عدم مبادرت به اعتراض نکول، دارنده برات را از حقوق خود محروم نمی‌کند. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ج. ۳: ص. ۸۴)

در مورد معاف ساختن دارنده برات از تنظیم اعتراض‌نامه و همچنین معافیت از اعتراض در صورت ورشکستگی محال‌علیه، در قانون ایران نه تنها موضوع معاف ساختن دارنده برات از تنظیم اعتراض‌نامه پیش‌بینی نشده است حتی ماده ۲۹۵ ق.ت. تصریح می‌کند: «هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جایگزین اعتراض‌نامه شود» و ماده ۲۸۲ ق.ت. نیز همان‌طور که بیان شد، ورشکستگی محال‌علیه را موجهی برای معافیت دارنده برات از تنظیم اعتراض‌نامه نمی‌داند.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، می‌توان نتیجه گرفت که ضرورت تنظیم اعتراض‌نامه در قانون تجارت ایران به‌مراتب سخت‌گیرانه‌تر از قانون متحدالشکل ژنو و حتی کشورهای اروپایی هم‌چون فرانسه می‌باشد که در بعضی از موارد، این سخت‌گیری منطقی به نظر می‌رسد و در بعضی از موارد، غیرمنطقی؛ که امید است در اصلاح قانون تجارت به این موضوع توجه شود.

مركز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## ۲-۲- اعتراض عدم تأدیه

اعتراض عدم تأدیه، اعتراض یا واخواستی است که بر اثر امتناع از پرداخت وجه در سررسید برات و سفته به‌عمل می‌آید. (ماده ۲۹۳ و ۳۰۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص. ۶۳، ش. ۴۷۷) به عبارت دیگر، هرگاه وعده سند برسد ولی وجه آن در سررسید پرداخت نشود، اعتراض یا واخواست‌نامه‌ای که تنظیم و ارسال می‌شود، واخواست یا اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود.

ماده ۲۸۰ ق.ت. در این مورد مقرر می‌دارد؛ «امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ۱۰ روز از

تاریخ وعده به وسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود معلوم گردد».

۱- ۲- ۲- اعتراض عدم تأدیه در برات و سفته

اصل لزوم اعتراض در مورد عدم تأدیه وجه برات، به تصریح، در مفاد بند ۳ ماده ۲۹۳ ق.ت. مورد تأکید قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌دارد:

«اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید: ۱- ۲- ۳- در مورد عدم تأدیه».

ماده ۲۸۲ قانون اخیرالذکر نیز در مورد لزوم اعتراض عدم تأدیه مقرر می‌دارد: «نه فوت محال علیه، نه ورشکستگی او، نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد».

ماده اخیر را که در مورد لزوم تنظیم اعتراض نامه یا واخواست نامه عدم تأدیه می‌باشد، می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: اول اینکه؛ منظور قانون گذار این است که در هر حال، باید اعتراض نامه تنظیم گردد و به نشانی برات گیر ارسال شود، حتی اگر او فوت کرده و یا ورشکسته شده باشد. این تفسیری است که از نظر کمیسیون مشورتی حقوق تجارت اداره حقوقی وزارت دادگستری که در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۸ بیان نموده، برداشت می‌شود. این نظریه بیان می‌دارد: «... دارنده سفته‌ای که در ظرف موعده مقرر به واخواست سفته مبادرت ورزیده ولی متعهد قبل از وصول واخواست نامه به محل اقامت او فوت نموده و در ظرف مدت ۳ ماه (یک سال) مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت علیه ظهرنویس اقامه دعوی نموده باشد دارنده چنین سفته‌ای از حقوق مذکور در فصل برات قانون تجارت و از جمله ماده ۲۹۲ قانون تجارت استفاده می‌نماید».

این چنین تعبیری از قانون، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چه کسی که فوت کرده یا ورشکسته شده است، نمی‌تواند چیزی پرداخت کند. بنابراین، ارسال اعتراض نامه به اقامتگاه آن‌ها معقول نیست.

تعبیر دوم این است که در چنین صورتی، اعتراض نامه باید به قائم مقام اشخاص فوق ارسال گردد، یعنی در مورد متوفی برای ورثه و در مورد ورشکسته برای مدیر تصفیه یا اداره تصفیه. پذیرش این تعبیر نیز خالی از اشکال نیست، چرا که به دارنده تکلیف می‌کنیم حق خود به موجب برات را در محلی غیر از محل مذکور در برات مطالبه کند، در حالی که ممکن است به آن آگاه نباشد؛ به این دلیل، راه حل قانون گذار قابل انتقاد است. (اسکینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۹)

برای حل مسأله فوق‌الذکر بهتر این بود که قانون‌گذار در موارد فوت و ورشکستگی برات‌گیر، دارنده برات را از اعتراض معاف می‌نمود. چنان که قانون متحدالشکل ژنو در ماده ۴۶ و قانون تجارت فرانسه وفق بند ۶ از ماده L-511-39 به این موضوع اشاره نموده‌اند و ورشکستگی محال‌علیه را موجبی برای معافیت دارنده سند از تنظیم اعتراض عدم تأدیه دانسته‌اند.

اما در مورد ماده ۲۸۳ ق.ت. که مقرر می‌کند: «در صورتی که قبول‌کننده برات، قبل از وعده، ورشکست شود، حق اعتراض برای دارنده برات باقی است» شاید به نظر برسد بیانگر این مطلب باشد که قانون‌گذار در صدد این بوده که دارنده در اعتراض و عدم اعتراض دارای اختیار باشد. زیرا از حق اعتراض دارنده در این ماده صحبت می‌کند ولی باید بیان نمود که واقعیت اینگونه نیست؛ چه قانون‌گذار در ماده مزبور درصدد ایجاد حق برای دارنده نیست بلکه به او همان تکلیفی را تحمیل می‌کند که در ماده ۲۸۲ مقرر کرده بود. لذا به موجب ماده ۲۸۳ ق.ت. دارنده در صورت ورشکستگی برات‌گیر، مکلف است اعتراض کند تا بتواند از حقوقی که قانون تجارت برای او در نظر گرفته است، استفاده نماید. بنابراین با توجه به آمره بودن مواد مربوط به اعتراض، باید نتیجه گرفت که دارنده، در هر صورت، مکلف به تنظیم اعتراض‌نامه یا واخواست‌نامه در صورت عدم تأدیه وجه سند از طرف محال‌علیه است که این راه حل قانون‌گذار سخت‌گیرانه و قابل انتقاد است.

در ماده ۴۴ قانون متحدالشکل ژنو، اعتراض عدم قبولی دارنده برات را از تنظیم اعتراض عدم تأدیه معاف می‌کند در حالی که در قانون تجارت ایران طبق ماده ۲۸۲ قانون مزبور حتی در صورتی که اعتراض نکول قبلاً انجام شده باشد باز هم دارنده مکلف به تنظیم اعتراض عدم تأدیه می‌باشد که این سخت‌گیری قانون‌گذار ایران منطقی به نظر می‌رسد. چرا که ممکن است هنگامی که برات برای قبولی به محال‌علیه ارائه می‌شود هنوز محل آن توسط صادرکننده نزد محال‌علیه تأمین نشده باشد ولی وقتی که هنگام سررسید مجدداً برات به محال‌علیه برای پرداخت ارائه می‌شود ممکن است که برات‌گیر که در این موقع محل برات را دریافت کرده است، وجه آن را بپردازد. لذا می‌بینیم که راه حل قانون‌گذار در

ضرورت اعتراض عدم تأدیه، علاوه بر اعتراض نکول نسبت به قوانین سایر کشورها هم چون فرانسه که طبق بند ۴ از ماده 39-511-L به معافیت دارنده از اعتراض عدم تأدیه در صورت اعتراض نکول اشاره کرده و همچنین قانون متحدالشکل ژنو که بیان شد، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

البته باید خاطرنشان کرد که راه‌حل قانون‌گذار ایران به جهت یادشده، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و الا در صورتی که ما واخواست را امری غیرضروری و مخالف اصل سرعت بدانیم، در این صورت، باید گفت که راه‌حل قانون فرانسه و قانون متحدالشکل ژنو منطقی‌تر است.

۲-۲-۲- اعتراض عدم تأدیه در چک

۱-۲-۲- چک عهده بانک

ضرورت اعتراض عدم تأدیه در مورد برات و سفته همان‌طور که گفته شد، از طریق برگ واخواست‌نامه یا اعتراض‌نامه صورت می‌پذیرد اما در مورد چک که یکی از مهم‌ترین اسناد تجاری است، ضرورت اعتراض به گونه‌ای که در مورد برات و سفته وجود دارد، به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر، در سیستم‌های حقوقی مختلف جهان اعتراض در مورد چک نمی‌تواند همان ضرورتی را داشته باشد که در مورد برات و سفته دارد.

در حقوق ایران، اعتراض در مورد چک وجود ندارد. این نظری است که دیوان عالی کشور، پس از سال‌ها کشمکش میان این دیوان و دادگاه‌های تالی صادر کرده است. نظر بعضی از دادگاه‌های تالی دیوان، در واقع، این بوده که برای مراجعه به مسئولین چک، دارنده باید اعتراض نماید، چه ماده ۳۰۴ ق.ت. تعهدات و مسئولیت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی راجع به برات را شامل چک نیز دانسته است. ولی در مقابل این نظر، نظر دیوان عالی کشور وجود دارد که گواهی عدم پرداخت صادره از طرف بانک محال علیه را جایگزین برگ واخواست‌نامه می‌داند لذا دارنده چک دیگر مکلف نیست که به محض عدم پرداخت چک مبادرت به تنظیم اعتراض عدم تأدیه نماید بلکه گواهی عدم پرداختی که بانک محال علیه صادر می‌نماید، جایگزین اعتراض یا واخواست می‌شود.

برای این منظور، رأی اصراری شماره ۱۶۵۴-۱۰/۵/۱۳۴۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «پروتست مقرر در ماده ۲۹۳ قانون تجارت نسبت به بروات تجاری به منظور

احراز نکول محال علیه است تا پس از تحقق نکول، دارنده مجاز و مستحق برای مراجعه به صادرکننده برات یا ظهرنویس و یا به همه آنها مجتمعاً باشد، نسبت به چک اتیان این تشریفات به نحوی که ماده ۲۳۶ قانون تجارت پیش‌بینی نموده ضرورت ندارد و نامه بانک ملی ایران بر عدم تأدیه وجه چک کافی بوده و الزامی برای واخواست در مورد چک بر علیه بانک نیست.»

هم‌چنین رأی اصراری شماره ۶۲۴-۱۳۴۵/۴/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در این باره مقرر می‌دارد: «... هر چند ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات راجع به بروات و سفته را شامل چک دانسته ولی در مورد بحث فقط کیفیت اعتراض مورد نظر است. اعتراض‌نامه که در ماده ۲۹۳ قانون تجارت نسبت به بروات قید شده از نظر احراز نکول محال علیه است که پس از احراز نکول می‌توان بر علیه صادرکننده برات و یا ظهرنویس و یا هر دو اقامه دعوی نمود ولی نسبت به چک اعمال این تشریفات به عبارت اخیری پروتست به نحوی که ماده ۲۳۶ قانون تجارت مقرر داشته، ضرورت ندارد بلکه منظور اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویس از عدم پرداخت وجه چک می‌باشد که این اطلاع ممکن است به صورت اعتراض‌نامه مقرر در ماده ۲۳۶ و یا اظهارنامه رسمی که در حقیقت به منزله همان اعتراض‌نامه می‌باشد، به عمل آید و چون در این مورد فرجام‌خواه پس از برگشت چک از بانک به وسیله اظهارنامه رسمی صادرکننده را مشخص داشته منظور واقعی از اعتراض به عمل آمده است...» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴، ص. ۵۳۴)

علاوه بر آراء اصراری فوق که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورد جایگزینی گواهی عدم پرداخت صادره از بانک به جای اعتراض عدم تأدیه صادر نموده رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶-۱۳۶۹/۷/۱۰ دیوان عالی کشور نیز وجود دارد که مؤید این موضوع می‌باشد. در این رأی که برخلاف آراء اصراری برای کلیه دادگاه‌های کشور لازم‌الاتباع است و در واقع، در حکم قانون می‌باشد، آمده است که؛ «قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳<sup>۱</sup> و قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تأدیه وجه آن، وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد. مسئولیت ظهرنویس چک، موضوع ماده ۳۱۴ ق.ت. هم براساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ ق.ت. قید شده، ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین

۱. یادآوری: مواد (۲ و ۳) قانون صدور چک شماره آن‌ها با توجه به قانون اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱ به مواد (۳ و ۴) تغییر یافته است.

گواهی بانك محال عليه دایر بر عدم تأدیه وجه چك كه در مدت ۱۵ روز به بانك مراجعه شده به منزله واخواست می باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور كه هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت داشته صحیح و منطبق با موازین قانونی است...» (اداره كل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴، ص. ۵۹۵)

البته بعضی از حقوق دانان کشورمان، نظریه دیوان عالی کشور را منطبق با موازین قانونی نمی دانند. (اسکینی، ۱۳۷۳، صص. ۲۲۵ و ۲۲۶) به عقیده این گروه از حقوق دانان، ماده ۳۱۴ ق.ت. صراحتاً اعتراض در چك را تابع اعتراض در مورد برات قرار داده است و معتقدند كه اعتراض نیز در قانون تجارت معنی و شكل خاصی دارد كه باید با همان مفهوم و معنی در مورد چك مورد عمل قرار گیرد.

با توجه به مطالب فوق الذکر می توان نتیجه گرفت كه در سیستم حقوقی ایران، در مورد چك، گواهی عدم پرداخت صادره از بانك محال عليه در واقع، به منزله واخواست ذكر شده در قانون تجارت است و از این طریق، دارنده چك هم از تنظیم اعتراض یا واخواست، معاف می شود و هم از حقوقی كه قانون تجارت برای او در نظر گرفته - با در دست داشتن این گواهی عدم پرداخت - برخوردار خواهد شد.

#### ۲-۲-۲ - چك عهده صندوق های قرض الحسنه

در مورد گواهی های عدم پرداختی كه در مورد چك های صندوق های قرض الحسنه صادر می شود از این جهت كه آیا این گواهی ها جایگزین واخواست می تواند باشد یا خیر، دیدگاه های مختلفی ابراز گردیده است كه در اینجا، لازم است به این دیدگاه ها و دلایل آن ها پرداخته شود. در این باره، دو دیدگاه مبنی بر این كه آیا این نوع چك ها را می توان تابع قانون تجارت بدانیم یا خیر، وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر آن ها را تابع قانون تجارت بدانیم و همانند چك های عهده بانك ها با آن ها برخورد نماییم، گواهی های عدم پرداختی صادره می تواند جایگزین واخواست شود ولی اگر آن ها را تابع قانون تجارت ندانیم، باید در مورد آن ها مقررات صندوق های قرض الحسنه را رعایت نمود. حال، به بیان این دیدگاه ها می پردازیم.

بنابر دیدگاه اول كه نظر اکثریت حقوق دانان می باشد، «اگر بنا باشد كه ماده ۳۱۰ قانون

تجارت را در نظر بگیریم، هر نوشته عادی را می‌توان در قالب چک آورد. بنابراین چون این رویه صحیح نیست، نمی‌توانیم چک‌های قرض‌الحسنه را تابع قانون تجارت بدانیم. چک آن است که چاپ‌شده باشد و به‌نحوی باشد که بتوانیم آن را در قانون صدور چک ببریم چون تعریف کلی است نمی‌توان آن را به این نحو تفسیر و شامل همه چیز دانست. ماده یک قانون صدور چک انواع چک را تعریف کرده و همه جا گفته است که چک عهده بانک است. بنابراین نظر، چک‌های قرض‌الحسنه تابع مقررات مربوط به صندوق‌های قرض‌الحسنه است و نمی‌توان آن را از جمله اسناد تجاری مقرر در قانون تجارت محسوب کرد. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه مخالفی وجود دارد که نظر اقلیت را تشکیل می‌دهد. طبق این دیدگاه، حواله‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه وفق تعریف ماده ۳۱۰ ق.ت. چک محسوب است و تابع مقررات قانون تجارت است. چک حتماً نباید عهده بانک باشد تا بگوییم چک است و مشمول مقررات قانون تجارت است. هیچ یک از مقررات مندرج در قانون تجارت اشاره‌ای ندارد که چک باید حتماً بر عهده بانک باشد. بنابراین چک بر عهده صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز تابع مقررات قانون تجارت در مورد چک است» (باختر، ۱۳۸۷، ص. ۹۳)

در تأیید دیدگاه اکثریت، نظر قضات که در کمیسیون مربوط به نشست‌های قضایی مطرح شده نیز وجود دارد که اظهار نموده‌اند؛ «چک، نوشته‌ای است که بر طبق آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند. در این جا، محال‌علیه بانک است که دارنده چک بدو با افتتاح حساب وجوهی را به حساب خود واریز و سپس اقدام به اخذ دسته چک می‌کند. این چک قطع نظر از مقررات قانون تجارت از چنان استحکامی برخوردار است که به‌موجب قانون چک و اصلاحات بعدی در صورتی که صادرکننده چک معادل وجه چک در حسابش موجود نباشد و یا به علت اشتباه در تاریخ و امثال آن برگشت شود، قانون‌گذار به‌منظور حفظ ارزش و اعتبار اسناد تجاری، برای صادرکننده چک، مجازات مقرر کرده و لذا این سند تجاری معتبر با چک‌های تنظیمی از طرف صندوق قرض‌الحسنه، قیاس مع‌الفارق است. و چک‌های

صندوق قرض الحسنه تابع مقررات مربوط به صندوق قرض الحسنه است و نمی‌توان آن را از جمله اسناد تجاری مقرر در قانون تجارت محسوب کرد.» (مجموعه نشست‌های قضایی، ۱۳۸۴، صص. ۲۳۶ و ۲۳۷)

البته اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه ۷/۷۲۴۰-۲۲/۱۰/۷۶/۱۰ برخلاف دیدگاه اکثریت و اقلیت، دیدگاه جدیدی را بیان می‌کند. در این نظر آمده است که: «مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ قانون تجارت مقررات خاصی را در مورد چک و چگونگی وصول آن و مواعد لازم را برای مراجعه به محال علیه و طرح دعوی علیه ظهرنویس بیان نموده است. با توجه به مراتب فوق، در مورد چک عهده صندوق قرض الحسنه نیز در صورتی که طرح دعوی علیه ظهرنویس مطرح باشد باید مواعد مقرر در ماده ۳۱۵ از جهت مراجعه به محال علیه و اعتراض (واخواست) رعایت و مطالبه وجه چک شده باشد. به عبارت دیگر، دارنده چک وقتی می‌تواند با استفاده از ماده ۲۴۹ قانون تجارت علیه ظهرنویس طرح دعوی کند که در موعد مقرر به صندوق قرض الحسنه مراجعه و در صورت عدم وصول وجه چک ظرف مدت قانونی آن را واخواست کرده باشد. اضافه می‌شود که مقررات قانون صدور چک اختصاص دارد به چک‌های عهده بانک‌های مذکور در آن قانون و شامل چک‌هایی که بر عهده غیربانک باشد، نمی‌شود ولی مقررات قانون تجارت شامل آن‌ها می‌گردد.» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۸)

#### نتیجه:

ضرورت واخواست برای بهره بردن از امتیازاتی که قانون تجارت برای اسناد تجاری مقرر نموده، در مورد برات و سفته از طریق برگ واخواست‌نامه یا اعتراض‌نامه صورت می‌پذیرد اما در مورد چک که یکی از مهم‌ترین اسناد تجاری است، ضرورت اعتراض به گونه‌ای که در مورد برات و سفته وجود دارد، به چشم نمی‌خورد.

به عبارت دیگر، در چک، طبق آراء وحدت رویه که از سوی دیوان عالی کشور صادر شده است، انجام واخواست، الزامی نیست و گواهی عدم پرداخت صادره از سوی بانک می‌تواند جایگزینی برای واخواست باشد. البته در بحث چک‌های صادره از سوی صندوق‌های قرض الحسنه از جهت جایگزینی گواهی عدم پرداخت به جای واخواست،



اختلاف نظر وجود داشت که در این باره سه دیدگاه مختلف بیان شد. طبق دیدگاه اول که نظر اکثریت حقوق دانان را بیان می نمود، چک صادره از سوی صندوق های قرض الحسنه تابع مقررات مربوط به صندوق قرض الحسنه است و نمی توان آن را از جمله اسناد تجاری مقرر در قانون تجارت محسوب کرد. طبق دیدگاه دوم که نظر اقلیت را تشکیل می داد، حواله های صندوق های قرض الحسنه طبق تعریف ماده ۳۱۰ ق.ت. چک محسوب می شدند و لذا از لحاظ بحث وخواست تابع مقررات قانون تجارت و به تبع آن، مقررات قانون صدور چک قرار می گرفتند. اما طبق دیدگاه سوم که اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در قالب نظریه شماره ۷۶/۱۰/۲۲-۷/۷۲۴۰ بیان داشته است، چک صادره از سوی صندوق های قرض الحسنه از یک سو چون مصدق از اسناد مندرج در قانون تجارت است از لحاظ بحث وخواست تابع همین قانون است و از سوی دیگر، چون بر عهده غیربانک می باشند تحت شمول مقررات قانون صدور قرار نمی گیرند.

از سه دیدگاه یادشده به نظر می رسد که دیدگاه اول به صواب نزدیک تر است. چرا که در زمان تصویب قانون تجارت؛ اولاً: چنین صندوق هایی وجود نداشته است تا بتوان گفت که چک یادشده در قانون تجارت شامل چک های صادره از سوی صندوق های قرض الحسنه نیز می شود. ثانیاً: منظور از چک در قانون تجارت، چک عهده بانک می باشد. بنابراین با توجه به نظر یادشده که نظر اکثریت حقوق دانان می باشد، باید گفت که این گونه از اسناد از لحاظ بحث وخواست تابع مقررات مربوط به صندوق های قرض الحسنه می باشند.

#### منابع:

۱. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به تجارت، ثبت شرکت ها، علائم و اختراعات، معاونت پژوهش تدوین و تنفیح قوانین و مقررات، چ. ۴ (ویرایش سوم)، تابستان ۱۳۸۴.
۲. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، سمت، چ. ۱۱، بهار ۱۳۸۶، تهران.
۳. \_\_\_\_\_، حقوق تجارت تطبیقی برات، سفته و چک در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس، انتشارات مجد، چ. اول، مهر ۱۳۷۳.
۴. باختر، سید احمد، اسناد تجاری (چک، فته طلب، برات) در آیین قانون تجارت و رویه قضایی، انتشارات خرسندی، چ. اول، ۱۳۸۷.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چ. ۶، ۱۳۷۲.

۶. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ج. ۱۳، چاپ اول از دوره جدید، پاییز ۱۳۷۳.
۷. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت اسناد تجاری (برات، چک، سفته، قبض انبار، اوراق بهادار، بورس) با تجدید نظر، نشر دادگستر*، ج. ۲، آذر ۱۳۷۵.
۸. \_\_\_\_\_، *حقوق تجارت، انتشارات دادگستری*، ج. ۳، چ. اول، زمستان ۱۳۷۴.
۹. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی، انتشارات اشجع*، تهران، ج. ۲، چ. اول، ۱۳۸۹.
۱۰. فخاری، امیرحسین، *اندیشه‌های حقوق (۳) حقوق تجارت، انتشارات مجد*، تهران، ج. ۲، ۱۳۸۹.
۱۱. \_\_\_\_\_، *جزوه درسی حقوق تجارت (۳)*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۱۲. مجموعه نشست‌های قضایی، *مسائل قانون مدنی*، ۴، نشر قضا، چ. اول، ۱۳۸۴.
۱۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر*، ج. ۲، چ. ۱۸، ۱۳۸۰.
14. <http://tafatton.ir/plugins/content/content.php?content.584>  
(قانون متحدالشکل ژنو)
15. <http://195.83.177.9/code/liste.phtml?lang=uk&c=32&r=3111>  
(قانون تجارت فرانسه)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی